



سال و گاهی بیشتر، روی سوژه کار کنی، باید از تهران سفر کنی بروی شهرستان. می روی در بیابان، باید تشنگی و گرسنگی را تحمل کنی، پایت آسیب می بیند و آنجا هیچ امکانات پزشکی ای نیست و باید تحمل کنی، فرقی هم نمی کند، چه برای خانم ها و چه برای آقایان، این سختی ها هست. اگر انسان بخواهد به قله های بزرگتر دست پیدا کند، سخت است و باید مسیر بیشتری را نسبت به بقیه طی کند.

← درباره مستند اگلانتین و روایت پیشرفت صحبت کنیم.

در سطح ارتش، بعد از جنگ کارهای بزرگی انجام شده است. نیروی دریایی ما اصلاً ناو نداشت. یک ناو قدیمی از قبل از انقلاب برای ما مانده بود که حتی نمی شد از آن استفاده عملیاتی درست و حسابی کرد. نیروی دریایی از سال های دهه ۷۰ و بعد از جنگ شروع کردند به ساخت و ساز زیردریایی و ناو. برای ساخت اینها هم می روند سراغ نخبگان دانشگاه های دیگر و فقط به بچه های نخبه در سطح ارتش اکتفا نمی کنند. اول هم با آزمون و خطا جلو می روند، اما شروع می کنند به ساخت ناو وزیر دریایی تا ایران بتواند در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشد.

قطعاً اگر این روایت ها به درستی و با بیان مناسب به مردم گفته شود، واقعاً استقبال می کنند و تا مدت ها راجع به آن صحبت می کنند؛ مثل اگلانتین که همچنان سر زبان است. ولی ما اصلاً در رسانه راجع به این موفقیت ها صحبت نمی کنیم. من بارها و بارها به مستندسازها

گفته ام که اگر روایت فقط همین ارتش بشوید، می بینید که در تمام قسمت های هوایی، دریایی، زمینی، چه کارهای بزرگی انجام شده است. قطعاتی که نیاز داریم خودشان دارند تأمین می کنند و به کمک آنها، جنگنده ها را اورهال می کنند. کسانی که سردمی آوردند می دانند که در حوزه نظامی، تولید کردن این قطعه ها چقدر سخت است. ما با وجود تحریم های کمرشکن نظامی، رزمایش های بزرگی داریم و کارهای بزرگی انجام می دهیم و همه اینها به خاطر این است که واقعاً غیرت نیروی مسلح ما اجازه نداده است پیشرفت ما در حوزه نظامی متوقف بشود. همه این پیشرفت ها هم قصه دارند؛ یعنی بسیار فراتر از یک گزارش خبری است؛ درست مثل مستند «اگلانتین» که نشان داد ما می توانیم یک دزد دریایی که یک دنیا را اسیر خودش کرده است را، با توانمندی و اراده نیروی دریایی و تکاوران خودمان اسیر کنیم. همه مان می گوئیم مگر ما در حوزه نظامی حرفی برای گفتن داریم؟ آره ما حرف های زیادی برای گفتن داریم اما کسی نیامده روایت کند و نگفتن اینها، به افکار بچه ها و نوجوان های ما آسیب بسیار زیادی زده است.

ما معمولاً آدم های ارتش را جدا از مسائل جاری کشور می دانیم و فکر می کنیم ارتش فقط برای جنگ و دفاع هست، ولی مثلاً مستند «منفی ۳۸ درجه» نشان می داد که ارتش چقدر در موضوعات و اتفاقاتی که جاری هستند در کشور، به مردم کمک می کند. یعنی واقعاً جزئی از مردم و برای مردم هستند، اما متأسفانه به قول شما چون اینها روایت نمی شوند، آن حس خاص افتخار نسبت به ارتش وجود ندارد.

ارتش در سیل و زلزله و مردم یاری مثل آب رسانی در زاهدان،

”

گفت برو بخوان، برو شروع کن به یاد گرفتن مستند. گفتم آخر با ۲ تا بچه؟ واقعا امکانش نیست. گفت برو من حمایت می کنم واقعا با حمایت ایشان بوده که من خیلی فشرده توانستم کلاسها را بروم

